

دو حکیم استر آباد

میر فندرسکی و میر داماد

محمد رضا دوستی دیلمی

به اهتمام :

استانداری گلستان

موسسه فرهنگی میر داماد



نشر پیک ریحان

دوستی، دیلمی، - گرد آورنده
دو حکیم استرآباد: میرفندرسکی و میرداماد / محمد رضا دوستی دیلمی، به
اهتمام استانداری گلستان، موسسه فرهنگی میرداماد - گرگان: پیک
ریحان، ۱۳۸۴.

۱۰۱ ص: مصور، نمونه.
۱۰۰۰۰ ریال

ISBN: 964-95969-0-9

فهرست نویسی بر اساس فیبا.

کتابنامه: ۹۸-۹۶، همچنین به صورت زیر نویس
۱. میرفندرسکی، ابوالقاسم بن میرزا بزرگ، ۱۰۵۰ ق. ۲. میرداماد
محمد باقر بن محمد، ۱۰۴۱ ق. ۳. فیلسوفان ایرانی.
الف: استناداری گلستان.

ب. موسسه فرهنگی میرداماد گرگان. ج. عنوان. د. عنوان: میرفندرسکی
و میرداماد

۱۸۹/۱

۹۲۸-۸۶ م

BBR ۱۱۶۷/۵/۵۹۵۹

کتابخانه ملی ایران

❖ دو حکیم استرآباد - میرفندرسکی و میرداماد

❖ نویسنده: محمد رضا دوستی دیلمی

❖ ناشر: پیک ریحان (گرگان صندوق پستی ۶۶۷ تلفن: ۳۲۲۲۰۹۹ - ۰۱۷۱)

❖ نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

❖ شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

❖ چاپ و صحافی: غنچه

❖ قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

❖ شابک: ۹۶۴-۹۵۹۶۹-۰۰-۹

این کتاب به اهتمام استانداری گلستان و موسسه فرهنگی میرداماد به چاپ رسیده است

کلیه حقوق این اثر محفوظ است

پیش گفتار:

بی جهت نیست که نام این منطقه را استرآباد که احتمالاً بر گرفته از استار آباد به معنای محل پر از ستاره است نامیده اند. بدون تردید آسمان علم و ادب و فرهنگ این خطه مملو از ستارگان درخشانی است که زینت بخش تاریخ این مرز و بوم و راهنمای گمشدگان وادی ظلمت و جهل بوده اند.

میرداماد و میرفندرسکی از جمله این ستارگان پرفروغند، درخشش این دو نور نیز آن چنان بود که حتی حجاب معاصرت نیز نتوانست مانع از تالو آنان شود اما بعد زمانی، سبب کمرنگ شدن شعاع نور وجودی این دو حکیم استرآباد و شناخت ایشان منحصر به بعضی جوامع خاص شده است. حال آن که نسل امروز بیش از هر زمانی به آنان نیازمند است و باید همچون مشعل فروزانی فرا روی جامعه جوان و با نشاط ایرانی قرار گیرند.

همانا این دو فیلسوف با الهام از معارف بلند اهل بیت علیهم السلام بر همراهی آموزه های دینی و براهین عقلی و سلوک عرفانی تأکید کردند و ضمن آن که به دوران فترت در فلسفه اسلامی پایان دادند پایه گذار مکتب بزرگ فلسفی اصفهان شدند و بن مایه های حکمت متعالیه صدرالمآلهین شیرازی را پی ریزی نمودند.

اکنون که به پیشنهاد حضرت آیت ا... نورمفیدی و همت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مؤسسه فرهنگی میرداماد و استانداری گلستان و در مقام پاسداشت خدمات ارزنده دو فیلسوف استرآبادی به علم الهی و دانش ایرانی همایش بزرگداشت این دو حکیم برگزار می شود سزاوار بود به معرفی اجمالی این دو دانشمند بپردازیم. از آن جا که اثر جامع و کاملی که به نحو وافق بتواند حق اینان را در یک نوشتار ادا نماید، در دسترس نبود لذا به این رساله که محصول تلاش های یکی از دانش آموختگان حوزه علمیه امام خمینی (ره) گرگان می باشد، اکتفا گردید. ضمن تشکر از ایشان و کسانی که این اثر را مورد بازبینی قرار داده و تذکرات سودمندی ارائه کردند، امیدواریم در آینده بتوانیم، این گام را کامل تر بنمائیم.

فهرست :

۲	 مقدمه
۵	 موقعیت تاریخی گرگان و استرآباد
۷	 گوشه‌ای از اوضاع تاریخی و سیاسی ایران در قرن ۱۰ و ۱۱ هـ.ق
۷	 ظهور صفویه
۸	 صوفیان قزلباش
۹	 علما و صوفیان در عصر صفوی
	میرداماد
۱۳	 نام و نسب
۱۴	 ولادت
۱۵	 تحصیلات و اساتید
۱۶	 مهاجرت میرداماد به اصفهان
۱۶	 حوزه اصفهان
۱۸	 میرداماد و مکتب فلسفی اصفهان
۲۰	 نظرات فلسفی میرداماد
۲۱	 فلسفه میرداماد
۲۲	 عقاید و آرای خاص میرداماد
۲۴	 نظریه حدوث دهری و اصالت ماهیت میرداماد
۲۷	 نظریه اصالت عقل
۲۸	 نظریه بداء و تغییر اراده الهی در عالم تکوین
۲۹	 میرداماد و صدرالمألهین
۳۴	 داستان‌هایی از زندگی میرداماد
۳۸	 حالات میرداماد
۴۱	 شاگردان میرداماد
۴۴	 آثار میرداماد

۴۹	 شعر میرداماد.....
۵۰	 وصیت نامه میرداماد
۵۱	 درگذشت حکیم استرآباد.....
	میرفندرسکی
۵۵	 شمه ای از موقعیت تاریخی فندرسک
۵۶	 شرح حال میرفندرسکی
۵۷	 تحصیلات و اساتید.....
۵۸	 مقام علمی و کمالات میرفندرسکی
۶۰	 سفر میرفندرسکی به هندوستان.....
۶۳	 مکتب فکری و فلسفی میرفندرسکی.....
۶۶	 میرفندرسکی و صدرالمآلهین
۶۶	 داستان‌ها و کراماتی از میرفندرسکی.....
۷۴	 اندیشه‌های اقتصادی و اجتماعی میرفندرسکی
۷۸	 اشعار و قصیده یائیه میرفندرسکی
۸۶	 شاگردان میرفندرسکی
۸۷	 آثار میرفندرسکی
۹۳	 رحلت حکیم میرفندرسکی و تکیه میرفندرسکی در اصفهان.....
۹۵	 اعقاب حکیم ابوالقاسم میرفندرسکی در فندرسک و استرآباد
۹۶	 فهرست منابع و مآخذ.....
۱۰۰	 شجره نامه میرداماد و میرفندرسکی.....

قال رسول الله (صل الله عليه و آله) :

إذا اجتمع العالم و العابد على الصراط قيل العابد أدخل الجنة و تنعم بعبادتك و قيل العالم قف هنا فاشفع لمن اجبت فانك لا تشفع لاحد الا شفعت فقام مقام الانبياء. وقتی که روز قیامت عالم و عابد با هم جمع آیند به عابد گویند به بهشت درآی و از عبادتی که انجام داده ای بهره مند شو و به عالم گویند بایست. و از هر که خواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی پذیرفته است آنگاه عالم در صف و جایگاه انبیاء قرار می گیرد.^۱

قال رسول الله (صل الله عليه و آله) :

فصل العالم على العابد كفضل القمر على سائر النجوم ليك البر وإن العلماء ورثة الانبياء.^۲ فصل عالم بر عابد همانند برتری ماه شب چهاردهم بر سایر ستارگان است، و در حقیقت علماء و دانشوران میراث بر پیامبرانند.

۱- نهج الفصاحه، ج ۱، حدیث ۱۳۴.

۲- سفینه البحار، ج ۲، مدخل علم.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم	فاتحه مصحف امید و بیم
نامه که آراسته چون جان بود	حمد خدا زینت عنوان بود
مشعله افروز نجوم یقین	کوکبه سوز خرد تیزبین
چاره گر کار فروماندگان	باز پس آرنده دل راندگان
عرصه هستی چمن باغ او	ناصریه دل رهسی داغ او
حله او زینت گوش عقول	رحمت او بردو جهاننش شمول
جمله حدیثند و همی او قدیم	جمله حقیرند و همی او عظیم

(میرداماد)

بی شک یگانه عامل تمیز انسان از سایر موجودات قدرت درآکه و عقل اوست که سبب جدایی انسان از دیگر مخلوقات بشری می شود و به قول منطقی ها که در تعریف انسان می گویند حیوان ناطق که منظور از ناطق بودن انسان همان قدرت تفکر می باشد. لذا یکی از پدیده های بی بدیل ذهن و فکر بشر حکمت (فلسفه) است و موضوع آن یعنی اندیشه پیرامون محور وجود است که اصل اساسی و پایه مستحکم تمام علوم بشری می گردد چرا که تمام علوم به او نیازمندند و او بی نیاز از سایر علوم؛ و این مشخصه ویژه حکمت باعث تمایز و تعمیق در نوع این علم شده است و در طول تاریخ تکاپوی فرهنگ ناب اسلامی فیلسوفانی وارسته ظهور کرده اند که صفحه تاریخ ایران و اسلام نام و یاد آن ها را بر سینه های تشنه حقیقت برای همیشه حک کرده و جاودان نگاه می دارد. در این عرصه دو ستاره فروزان که در نوع خود منحصر به فرد بوده اند در قرن دهم (ه. ق) از منطقه ای عالم خیز و مؤمن پرور بر تارک ایران اسلامی نور افشانی کرده اند که تاکنون در یاد هر عالم عارف و حقیقت جویی تالو می نمایند و آن دو ستاره پر فروغ قرن ۱۰ و آغاز قرن ۱۱ (ه. ق) دو سید حکیم از تبار مردمانی با فرهنگ و مؤمن شهر دارالمومنین استرآباد (گرگان فعلی) بوده اند. منطقه جرجان و استرآباد در طول تاریخ پرفراز و نشیب شیعی و اسلامی عارفانی بی بدیل پرورش داده است که از میر سید شریف

جرجانی^۱ آن ادیب متکلم و فیلسوف قرن ۸ (ه.ق) گرفته تا میرزا مسیح مجتهد استرآبادی^۲ در قرن ۱۱ (ه.ق)، هر یک طلایه دار یک نهضت علمی، مذهبی، یا اجتماعی بوده اند که در این گذر ما بر آن شده ایم تا درنگی در زندگی پرفروغ دو سید حکیم (میرداماد استرآبادی و میرفندرسکی) بنماییم چرا که این دو حکیم فرزانه از لحاظ رُشحات فلسفی و متجدد بودنشان در عصر خود قابل توجه و کنکاش می باشند، چرا که نام و یاد این دو فیلسوف اسلامی باید فراتر از نامیده شدن چند خیابان در تهران و اصفهان یا دبیرستان و مدرسه ای در گرگان باشد. لذا به عنوان نمونه تراوشات فکری و آثار عمیق فلسفی آنها فیلسوفانی چون صدر المتألهین شیرازی را پرورش داده است که به عنوان بزرگترین فیلسوف قرون معاصر اسلامی افتخار تلمذ در محضر این دو حکیم را داشته و شاید این مشهوریت و اوج تکامل بخشی صدار در فلسفه اسلامی نورانیت آن دو وجود مبارک را تحت الشعاع و تأثیر خود قرار داده است. چرا که با گذشت کمتر از ۴ قرن نام این دو سید بزرگوار همچون مظلومیت اجداد طاهربنشان در کوچه

۱- میر سید شریف جرجانی. در سال ۷۴۰ (ه.ق) در روستای باغو استرآباد (از توابع بندرگز فعلی) متولد شده و به عزم تحصیل به مصر رفت و در قاهره به تکمیل تحصیلات و دانش پرداخته در جوانی مدت‌ها از محضر علامه رازی استفاده کرده سپس به سال ۷۷۹ (ه.ق) سعد الدین تفتازانی او را در شیراز به شاه شجاع مظفری معرفی نموده مدتی بعد مدرس دارالشفاء شیراز شد و طبق نقل مرحوم دکتر محمد معین، استاد و معلم رسمی خواجه شمس الدین حافظ شیرازی عارف و شاعر نامی بوده و در این رابطه نقل شده «هرگاه در مجلس درس سید شریف علاقه گرگانی شعر خوانده می‌شد می‌گفت به عوض این ترهات به فلسفه و حکمت بپردازند اما چون شمس الدین محمد می رسید علامه گرگانی می پرسید بر شما چه الهام شده است غزل خود را بخوانید شاگردان علامه به وی اعتراض می کردند که این چه رازی است که ما را از سرودن شعر منع می کنید ولی به شنیدن شعر حافظ رغبت نشان می دهی؟ استاد در پاسخ می گفت شعر حافظ (لسان الغیب) همه الهامات و حدیث قدسی و لطائف حکمی و نکات قرآنی است (نقل از کتاب عرفان حافظ استاد شهید مطهری). نامبرده دارای ۵۰ تألیف در علوم مختلف بوده که الکبری فی المنطق و صرف میر از کتاب‌های درسی طلاب از مشهورترین آثار اوست. که در باب کتاب صرف میر او طلاب در سالهای اولیه بر باب توصیف و مزاج این شعر را زمزمه می کنند:

هر که خواند صرف میر را بشکند هفتاد هفت زنجیر را

۱- میرزا مسیح مجتهد استرآبادی در سال ۱۱۹۳ ه.ق در شهر استرآباد دیده به جهان گشوده و از محضر فقیه نامدار میرزای قمی در سال‌های اقامتش در قم استفاده‌ها برد و پس از پی گرفتن تحصیل در فقه تا سیزدهم اجتهاد و مرجعیت پیش رفت و تهران را به عنوان محل سکونت برگزید و به (مجتهد تهرانی) اشتهار یافت و پس از اقامت در تهران به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع تهران و فتاوی شرعی مردم اکتفاء نمود. در زمان فتحعلی شاه قاجار هنگام حوادث اصفناکی که از سوی گریبایدوف (وزیر مختار روس بر سر اجرای عهدنامه ترکمن‌چای و توهین به مقدسات اسلامی روی داد رهبری قیام مردم و شکوه مذهب تشیع در مقابل نخوت استکبار را به نمایش گذاشت و طی حمله مردم به سفارت روس ۸۰ هزار نفر از مردم در دفاع از حرم مقدسات اسلامی شهید و ۳۸۰ نفر از ساکنان سفارت کشته شدند و سرانجام میرزا مسیح به عتبات عالیات تبعید و در سال ۱۲۶۳ ه.ق دار فانی را وداع نمود و در جوار مولایش امیر المؤمنین (ع) در نجف اشرف مدفون شد. (گلشن ابرار، ج ۱).

پس کوچه های تاریخ معاصرمان تا حدی ناشناخته مانده است و شاید به قول هانری گربن خاورشناس معاصر فرانسوی فضایی ایران، میرداماد و میرفندرسکی را در حد و اندازه حکمای قدیم و جدید اروپا از افلاطون گرفته تا برتر اندراسل که از فلاسفه معاصر هستند شناسند. حال تا آن جا که اصطلاحات فلسفی ای را که میرداماد در ۴ قرن پیش برای حکمت و فلسفه وضع نموده هنوز با گذشت زمان طولانی برای فیلسوفان زمان ما قابل فهم و درک نیست و یا تفکر و تجدد عالمانه نخبه دیگر استرآبادی، میرفندرسکی در زمانی که ایران دارای دانشمندان قشری متفاوت بود که حتی دانش پژوهان را از خواندن کتاب مثنوی مولانا منع می کردند و گناه می دانستند و با انبر بلند می کردند توجه نکرده باشیم. میرفندرسکی به عنوان یک فکر متجدد در زمان خود بدون اغراق می توان گفت از لحاظ افکار و تبادل افکار ادبی سیصد الی چهارصد سال از معاصرین خود سبقت داشت چرا که او قصد ترجمه کتاب های پهلوی و سانسکریت (Sanskrit) جهت توسعه زبان فارسی را داشت ولی افسوس که او هم گرفتار سرنوشت تمام نوابغ یا مبتکرینی شد که افکار معاصران قادر به ادراک نبوغ آنها نیست و نمی تواند به فواید ابتکارات شان پی ببرد یا طبقات متنفذ جامعه اجرای پیشنهاد آنان را مغایر با منافع خود می دانند.

اما در این ایام که این سطور نگاشته می شود گویا چراغ امیدی برای زنده کردن یاد و نام این دو حکیم بزرگ برداشته شده است که مقدمه آن را با ورود به شهر گرگان زادگاه این بزرگان با مشاهده بنای نو بنیاد مجتمع فرهنگی میرداماد ملاحظه می کنیم که جای بسی بالیدن و غبطه خوردن برای تمام مردم فرهنگ دوست گرگان و منطقه عالم خیزش دارد، چرا که دیگر نام و یاد میرداماد و میرفندرسکی از حد یک خیابان و دبیرستان به یک مرکز علمی و فرهنگی که خود آن ها پرچمدار چنین مجامع علمی بوده اند انتقال یافته است. و چه خوب و بجاست که روزی متولیان امر فرهنگ کشور و خصوصاً استان فرهنگ خیز گلستان که میراث داران مکتب میرداماد و میرفندرسکی و سید شریف جرجانی و دیگر عالمان مجاهد و خود ساخته اند با احداث بناهای فرهنگی این چنینی در شهرهای منطقه و برگزاری کنگره های یادمان این عالمان پر افتخار در احیای فرهنگ ناب منطقه گام بردارند چرا که نسل جدید ما باید بشناسد و بداند و الگوی خود قرار دهد چنین مردانی را که خود سردمداران فکر و اندیشه بوده اند.

محمد رضا دوستی دیلمی

قم به تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۸۳ مطابق با ۲۱ شعبان المعظم ۱۴۲۵ (ه.ق)

موقعیت تاریخی گرگان و استرآباد

منطقه گرگان و استرآباد در دوره های مختلف تاریخ ایران همیشه از ایالت های بزرگ و محل سکونت اقوام اولیه آریایی و مورد توجه حکومت ها بوده. این ایالت از تمیشه ناحیه کردکوی تا شهر جرجان (گنبد قابوس فعلی) ادامه داشته و مرکز آن شهر استرآباد (گرگان فعلی) بوده است. آثار سفالی بدست آمده متعلق به ۶۰۰۰ سال پیش که از نقاط مختلف از جمله تورنگ تپه (در ۱۹ کیلومتری شرق گرگان) به دست آمده نشانگر حضور دیرینه انسانها و تمدن بشری در این منطقه است. گرگان در قرن اول میلادی سرزمین مستقلی بوده و در دربار امپراطوری روم سفیر داشته است. در زمان آل زیار این شهر مرکز حکومت بوده و حملات مغول و تیموریان باعث نابودی شهر قدیمی (جرجان) شده و مردم آن به شهر کوچک استرآباد واقع در جنگل های کوهپایه ای مهاجرت کردند.

علاوه بر تپه های باستانی موجود در استان از قبیل تورنگ تپه، اماکن و عمارت های تاریخی، مذهبی دیگری از جمله خرابه های شهر قدیمی جرجان و امامزاده یحیی بن زید علوی از نوادگان امام حسین (علیه السلام) و برج و باروهای قدیمی از جمله برج قابوس یا میل گنبد در سطح جهان با بیش از ۱۰۰۰ سال قدمت و قدیمی ترین برج آجری در سطح جهان همه خود بهترین مصداق تعالی فرهنگ دینی و اجتماعی این مردم و وجود محدثین، علما و دانشمندان بسیار در اعصار مختلف تاریخی است تا جایی که در قدیم الایام از این شهر به عنوان دارالمؤمنین نام برده اند.

از آن جایی که یکی از دو شخصیت بزرگ بحث ما منتسب به شهر استرآباد است، کنکاش در تسمیه این شهر کمی امر را دشوار می نماید لذا ما به نقل بعضی از اسناد و نقلیات در نام و بنای این شهر اکتفا می کنیم. چرا که این شهر خاستگاه عالمان بزرگی چون مرحوم میرداماد بوده است.

در ایران باستان الهها و رب النوع های زیادی وجود داشته. کلمه آناهیتا (ناهید) یکی از فرشتگان مهم مورد پرستش، به معنای آلوده نشده و پاک می باشد و آناهیتا بعدها به صورت استر، ایستارو استاره (ستاره) در آمده لذا طبق این نظر معنای آلفوی استرآباد به معنای (شهر آناهیتا) است. طبق نقل محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و تألیفات قاجاری در کتاب مرآت البلدان لفظ استرآباد مرکب از دو کلمه استر و آباد است. استر مخفف استار به معنای ستاره و آباد و عمارت و استرآباد مخفف استاره آباد است زیرا در زمان زرتشت ایرانیان

اجرام مضیئه را زاید الوصف معظم و بزرگ می گرفتند پس این شهر را بنا کرده و به این اسم مرسوم نموده اند.

و آن چه از بعضی منابع تاریخی مثل تاریخ طبرستان و شاهنامه استفاده می شود گرگان و استرآباد در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی بنا شده و چنان که منقول است گرگین میلاد (قهرمان ایرانی) در ری حاکم بود. گیو حاکم قم و گودرز در اصفهان مستقر و مدت ها با هم اختلاف داشتند. گرگین میلاد با بیژن برای شکار گراز به ارمنیه رفتند و گرگین بیژن را به دام افراسیاب انداخته و زندانی شد سپس خود به ایران برگشت و مورد سوءظن قرار گرفت. کیخسرو او را محبوس ولی به شفاعت رستم آزاد گردید.

آن گاه از ترس گیو، گودرز به گرگان آمد و شهر قدیم گرگان را که موطن مرزبانان طبرستان بود خراب و در موضع معروف به (غراق استران) استرآباد را بنا کرد. علاوه بر این عده ای هم بنای شهر گرگان (استرآباد) را به زمان هخامنشیان به نام دختری از طایفه یهود که یکی از بخت النصرها آن ها را در زمان اردشیر دراز دست هخامنشی به بابل آورده بودند و همسر اردشیر شد به نام استرمردخای دختر یهودی نسبت داده اند. شهر قدیم استرآباد در زمان ایلخانان مغول یکی از مراکز مهم تجاری و پرورش و صدور ابریشم بوده است به طوری که در مسیر جاده معروف ابریشم قرار گرفت. و بعدها بازرگانان و نیزی و جنوایی ایتالیا پس از ناامنی دریا باعث انتقال و صدور مال التجاره و ابریشم مرغوب این شهر به سوریه و از آن جا به اروپا شدند. لازم به تذکر است که کلمه گرگان از واژه (ورکان) یا (هرکان) از زبان فرس هخامنشی پهلوی گرفته شده است که ایالت گرگان و شهر جرجان و منطقه استرآباد با هم متفاوتند. ایالت گرگان شامل منطقه ای می شود که از همیشه (روستای خرابه شهر فعلی کردکوی) آغاز و تا گنبد کاووس فعلی ادامه می یافت که استرآباد در مقطعی از تاریخ (تختگاه) یا مرکز این شهر بوده و بعد ها پس از فتح ایران توسط اعراب کلمه گرگان به جرجان معرب شده و در زمان رضا شاه به سال ۱۳۱۶ (ه ش) نام شهر استرآباد به گرگان تغییر نام داده شد. به علاوه شهر جرجان یا گرگان نیز شهری بوده در منتهی الیه شرق ایالت گرگان که هنوز آثار ویرانه های آن در خاشیه شهر گنبد (اطراف امامزاده یحیی بن زید علوی) موجود و نمایان است. هم چنین کلمه گرگان در کتب مختلف به صورت واژه هایی از جمله در اوستا (وهرکانه) در کتیبه داریوش در بیستون (ورکانه) و یونانیان آن را (هیرکانیا) می نامیدند.^۱